

کوشش نامتعلق

لوشته پریشان

همه فرار میکنند

من و تیکه کردستانیان مقیم تهران و با مامور در شهرستان های دیگر را بنظر میآورم معظوظ می شوم (بیراهه را از مامورین خوشنام و آبرومند لایق لشکری و کشوری می بینم و از طرفی وقتی ادارات کردستان رامورده دقت فرار می دهم می بینم که اغلب اوقات مردم گرفتار روسائی هستند که وانما نظیرشان را در کمر فاطمه بگر می توان یافت .

این روسا همانطور که گفتم اغلب بی نظیرند نه از لحاظ خدمتگداری و علاقه بردم و بی احترامی مردم بلکه از لحاظ خود سری خود مختاری و قانون شکنی .

ولی وقتیکه فکر می کنیم که چرا چنین است و چرا آن ائی که خوبند در ادارات دولتی مشاغل مهمی دارند به کردستان نیروند بیاد کتت بگری از کردستانیان میافتم که متأسفانه فوت کرده که میگفت من در مدت خدمتم دو کردستان تا میخوانستم با ادب و احترام مراجعت مردم را انجام میدادم و صادقانه خدمت می کردم هر هنگام توقف میدیدم مردم بازار من گله می کنند که چرا کلیه توفقات بی جا را بیدارند و تمام تقاضای بی مورد اشخاص را اجرا ننموده . او میگفت در مدت خدمت در کردستان آقدور توقع بیجا و تومیه بر سر من می ریخت که بی چاره شده بودم . من چون اهل محل بودم به چشم دیگری بین نگاه می کردند و مرا کوچک و کارم را بی اهمیت و خودمانی می دانستند و صورتی که قبل از من ماموری که در همین پست خدمت می کرد همه از او حساب می بردند و با ترس و لرز به اطلاق او وارد می شدند همه به او تلق می گفتند و هر کس برای خود انتقاری میداندت که از او دعوتی شاید و یا کمال میل و رغبت و نهایت سر بلندی پاکت های محتوی اسکناس تقدیش می کردند و وقتیکه رفت کسی گفت که

بقیه در صفحه ۸

سر نوشت بارز انبیا باحسن تدبیر جناب اشرف آقای نخست وزیر معین خواهد شد

فصل دوم - موضوع بارزانی در فصل اول مفیده ما این است در این مومع که عده ای گمان میکنند دولت ممکن است دست به شدت بزند از رویه مسالمت آمیز استفاده نموده با توجه به نیازمندی های عمومی محیط دوستی و نزدیکی فراهم سازد . شدت عمل در این نواحی هیچوقت به صلاح منسلکت نبوده و بفرهاده بود همانطور که بارها این موضوع را بیاید آورده ام . بارها باید دولت سعی نماید قلب افراد را تسخیر کند و مسخر نمودن قلب مسخر نخواهد بود مگر از راه محبت و دلجوئی .

اگر تجارب گذشته را با خاطر میاوریم خواهیم دید که اغلب اتفاقاتی که منجر به مشکلات بزرگی برای منسلکت شده چیزی نبوده مگر منکس العمل شدت و فشار

اما در فصل دوم پیشی موضوع بارزانیان دولت باید یکی از دو اندام ذیل را پشاید .

۱ - اعاده بارزانیان به اوطان خود پس از اطمینان و بدست آوردن علو عمومی برای آنان از دولت عراق
۲ - سکونت دادن بارزانیان در یکی از مناطق کردستان و پذیرفتن آنان به تابعیت ایران

اگر ادراختیاییکه به حسن نیت جناب آقای نخست وزیر اطمینان داونده بدواره ایشان این دو راهی تسوجه مخصوصی بدلول فرموده و روشن نواحی دیگر کردستان را هم در املاسات ضروری از نظر دور ندارند .

و چند روز پیش خاک عراق را تترك نموده بایران پناه آورده دست های گردنشین آذربایجان اقامت داشتند و در تمام این مدت دست بیال و جان و ناموس کسی دراز نگردیده بلکه در نهایت انضباط از رؤسای خود اقامت نموده بطوریکه می توان آنان را بهترین نوع افراد منظم عتبار داشت .

در هنگام عبوریت نواحی دولتی بست مهاباد برخلاف آنچه در دو روز اخیر در بعضی جراید خوانده میشد اگر اد بطور کلی و بارزانیان بالخصوص منکس العمل و مغایرتی نشان نداده و مشکلی برای ورود نیروهای نظامی فراهم نساخته بلکه با نهایت جدیت کوشش نمودند که از هرگونه تباهی که حادثه کوچکی فراهم سازد جدا جلوگیری بعمل آورند . نه چنگی در آن نواحی روی داده و نه کسی کتت پسا زخمی شده .

پس از مسالقاتی که چه سران حزب دمکرات کردستان و چه ملامعطفی از فرمانده لشکر کردستان نمودند مقدمات ورود نیرو فراهم شد و چند روز به عموم بارزانیان تسلیم دولت شدند و بطوریکه میبینیم آردون هم ملامعطفی به تهران آمده است .

در روز های اول ورود نیروی دولتی با نهایت مسالمت با اهالی رفتار میشد و در تمام مدتی که راجع آذربایجان صحبت و گفتگو بود نامی از نواحی گردنشین آن امانت بیان نمی آمد . این سکوت خود مسالمتی بود که فقط گذشت زمان می توانست آن را حل نماید زیرا با گذشتن چند هفته برنامه دولت و تعیینش راجع باین مناطق معلوم می گشت .

حال از گروه و کنار شنیده میشود که چند نفری تحت نظر و عده ای بازداشت شده اند و در نظر است که موضوع بارزانیان هم جدا گانه مورد مطالعه قرار گیرد .

بنابر این موضوع کردستان را اکنون میتوان به دو فصل تقسیم نمود ، فصل اول - تعیین دولت در باره نواحی گردنشین آذربایجان و سازمان های آن

دوم - روابط ملامعطفی بارزانی و چند نفر دیگر از سران بارزانی بطهران وارده شده اند محل اقامت آنان باشگاه لشکر ۲ بود و بقرار اطلاع روز گذشته بیژوردین ملاقاتی از جناب آقای نخست وزیر بعمل آورده اند .

از هنگامی که شورش بارزانی در خاک عراق شروع شد و بعد منجر باین گردید که بارزانیان پشاک ایران بناخته شوند و در طی مسعت اقامت ایشان در ایران ، گاهگاهی در جراید مطالبی راجع به بارزانیان منکس میشد که اغلب قدری از حیا و حقیقت منحرف بود بطوریکه نه تنها مردم که روزنامه ها را میخوانند در راجع به بارزانیان در اشتباه بودند بلکه نویسندگان آن مطالب و حتی عده ای از مسئولین امور هم حرکات بارزانیان را یک نوع شرارت و بارزانیان را مردمانی مساجراجو و غارتگر می پنداشتند ولی ما که تاحدی پوششیت آنان مطلع بودیم بعضی اوقات که موضوع بارزانیان پیش میامد از آنچه میدانستیم تذکراتی میدادیم و حتی برای روشن نمودن اذهان عمومی روی حرکات بارزانی در عراق و شورش های آنان با زحمت زیاد مدارک و مستندات آورده تحت عنوان « اسرار بارزانی » مقالاتی منتشر نمودیم که قسمتی از آنرا در همین شماره میتوان مطالعه نمود .

منظور ما از انتشار این سلسله مقالات این بود که مردم را از چگونگی حرکات بارزانی مطلع ساخته تا نیک بدانند این شورش از کجانی شده و چه جریان حالی داشته و به کجا منجر گردیده است . گمان میکنیم مطالعه این سلسله مقالات هر خواننده ای را کاملاً از اسرار بارزانی واقف خواهد نمود و برای اطلاع مقامات مسئول دولتی هم این نوشته ها بسیار گرا بیافزودند .

بهر حال حرکات بارزانی هر چه بود گذشت اکنون سر نوشت این افراد که در حدود ۱۲ تا ۱۵۰۰ نفر می باشند در دست دولت است آنهاییکه مسائل مربوط بکردستان ملاقتند منتظر است بییند دولت در این باره چه تصمیمی اتخاذ خواهد نمود .

بارزانیان از هنگامیکه در ۱۴ ماه

جهان نو دار آستانه سال نو بختند میزند

پیمان راد مردان قش شدنی نیست و همدی را که ملل آزاد می باید نقطه بر صفحه تاریخ و با تباری میایو با جان بر شور و جیور و با خون دیده نوشته می شود .
ملل ضعیف گوا ، این پیمانها بوده اند ، پسکال است که چنگ پان با نته و انتهای آن معلوم شده است . ماهها است که بقیه در صفحه ۸

ایترود ها ملل آزاد در حراسر جهان روز نو ، سال نو روز گاونورا جشن میکنند .
دلهای حساس از هشوه های الهی « آزادی و دمکراسی » میبارزد و قلب های پر شور و آزاده که زندگیشان بر آزادی برای آزادی و یامید آزادی میخوانند در برابر میدان « الهی مساج » برای یک سال دیگر عهد مودت می بندند

۴ - کشور کهنسال چین

وهنگامه جنگ بین الملل سوم

خشن بحث هکت پیش، استه دامشش اوضاع و احوال چترانیالی چین و سپر آسیای خجبت انگیری را که صداسال پیش این کشور کهنسال شروع کرده و هنوز ادامه میدهد تشریح نمودیم و هلل اینکه چرا قرنها ، سالها ، ماهها هلته هاست چیسین در مسبر تمدن و شهریکری حرکت میکنه ولی در جای خود متوقف است و از دایره معدودی که دور خود دارد تجاوز میکنه پیشو کمپیان گردیم ، کتون تا آنجا که تحولات سیاسی انتضاکند ، هلل والئی آنر کورد چانسوز و دوزخی واین جهود وتوقف اجشاهی رابیشترین وجهی آدابیلرخواهیم نمود .

در چین ثروتهای طبیعی بی اندازه زیاد است ویا این ترتیب بیک مسئله پیچیده و دو پهلو را برای چین باید مند کر شد .

دول مستمراتی سرمایه های داخلی را برای تهیه بازار می رلیب تحت فشار قرار داده و در این کشور برای حفظ سلطه و استقرار حاکمیت اقتصادی خود ، حکومت های بومی و ملی را سرکوبی میکنه و چون از دست رفتن بازار و این همه منافع عظیم بنایه اعلام مرک و نابودی اصول سرمایه داری است اینست که کارتلها و تروست ها با تلاش و کوشش نظیری سیدارند تا این سرچشمه حلایش را برای همیشه در دست خود نگاه دارند .

سرای اقتصادی و اجشاهی بین با اندازه کافی نمی است اما سرمایه های خارجی که کک گرافیالی برای دولت و اغلانات داخلی و جود تمدن هسته ، چین را در نقطه هزار سال پیش موقوف داشته اند .

بهر تقدیر باز باین تابلات باید مند کر بود که گرچه ترفی صحت بکنده در چین پیش میروولی بسال پیشرفت نهائی خود را میکند و بطور کلی در جنگ جهانی اخیر سبب شده است که دیگر از چین کمتر مواء خام صادر می هود بلکه بیشتر مواد دست دوم و کالا بمارج میروند .

فرآورده های صنعتی چین در بازار کشور های آسیایی وارد نمیکردند . غیر از این نقطه مثبت عواملی دیگر نیز بیداری طبقات متشدک و متشده بده چین که بیش از ۸ ملیون هستند پنجهش های ملی کک نموده و ملیون چینی را در راه استقرار کامل و تحکیم حکومت ملی مدد میدهند .

اینست آن صلعه که امروزه در تاریخ آسیا یا بهتر بگویم در تاریخ جهان آزاد بار میشود هلل حلیلی نهضت های ملی چین همین عوامل و فشار های سیاسی و اقتصادی است ، و صحت مالی و برده چین امروز نظیر بیست سال گذشته خوب نیست در گذشته دول انگلیس ، فرانسه - ژاپون نظماتی از کشور چین را نظیر هکت کک پورت آرتور و غیره بین خود تقسیم در ضمن حق کنترل منابع اقتصادی چین را برای خود قائل شده و پیش اقتصادی این کشور پهناور را

تفسیر تحولات سیاسی

دنیای ایران در بنه گذشته

در دست خود گرفت بودند.

در ۱۸۵۸ در نتیجه حلات نیرو های ارتش فرانسه و انگلیس و بوجوب سامعه ۱۸۶۸ و ۱۹۰۶ چین تفرقه گمرکی خود را تغییر و نامدنی گمرکات خود را در دست به دست انگلیس سپرده بود و همینطور پس از هکت جنگ با ژاپون (۱۸۹۴) چون چین محکوم به پرداخت غرامت هنگفتی شده بود ۳۱۸ میلیون لوند استرلینگ از اروپا و فرانسه و انگلیس وام گرفت و معل بر داخت این قرضه را از گمرکات زمین کرد و پس از خانه نیام بود کر (۱۹۰۱) و محکومیت بپرداخت ۶۷۱/۲ میلیون لوند استرلینگ بومقرر شد این قرضه از هواند گمرکات پبری پرداخت کرد.

باین ترتیب و بر اثر قرار گرفتن دوزیر متکته های اقتصادی و در اثر باز کردن درب های « دروازه های گمرکی » کشور آسیای چین ۲۰ سال تمام مانند بکومله ناجور بر بیگرزنده و مندوس آسیا تار گرفت و برداشت خود حتی آن کشوری که بکروز و صبر صحت و صلح قابلت بوده است آه کشیده و اسف خورد.

هلل حقیقی نهضت ملی می چین و یکسلسله اصول سیاسی دیگر سپانیده برای هلته آینده

۱۰ هفته پیش در ایران ما چه گذشت ؟

پیرامون انتخابات - استاندار آذربایجان بیانات نیکسار سر لشکر گردم آرا در هلته پیش انجمن نظار اوطیقات مختلف پرگزیده و تشکیل گردیده ، آقای مؤمن الملک و بهاء الملک از قبول هدویت خودداری کردند - در پیرامون صلاحیت هکت نظار صحت های شنیده میشود ولی آنچه از ظاهر امر بر می آید اینست که اجشاهی واجد فضیلت اگر هم در انجمن نظار وجود داشته باشند خط مشی سیاسی انجمن در خارج زمین میگردد لظما ول مثنی را ایما نموده نمود . گذشت از این موضوع نظار اهالی بجز از طرف احزاب سیاسی مختلف بر علیه انتخابات بدل آمد و شاید تاروز شروع انتخابات تحولات سیاسی دیگری نیز حتی در آینده و کنتار و اوضاع سیاسی تهران مشاهده گردد . ضمن این تجویزات لظیه انتضاب استاندار برای آذربایجان نیز تا جاهای باریکی کشیده در ابتدا آقای صادقی نماینده مجلس چهاردهم نامرد استناداری بوده ولی از انتضاب ایشان هلل وجهائی بدآ خودداری شد و آقای منصور الملک که مرد برجسته و ذریر گری است متفق القول جهت استناداری آذربایجان متصب گردیدند در هلته گذشته انجمن روزنامه نگاران بانتضاب (آزاد شدن آذربایجان) جشنی ترتیب و از اسران ار شه ارتش و جمعی روزنامه نویسان دعوتی بدل آورده بودند و نیکسار سر لشکر گردم آرا و ضمن بیانات خود از تجویزات عظیم ارتش آذربایجان ستزاده و تلکسر داده « اگر دوسال دیگر بر لظیه

آذربایجان میگذشت و تهران نیکان میخورد میدید ایران یا چه وحشی دور بود میشد « مدور بیایه کیتنه مرکزی حزب توده نیز که از اتهامات متصب حزب را تبرک و مقاصد و اوضاع سیاسی اخیر ایران را تجزیه و تحلیل میکنه ، از مسائل مهم سیاسی هلته مصوب می گردد . بهر حال نکته که در حال حاضر شایان توجه است (معالی انتخابات) میباشد و پس و اگر کسی ساده نباشد و لظیای سیاسی و اجشاهی را با تمس بیشتر و متصفانه تری مورد مطالبه قرار داده و کلاه خود را دهره مورد قاضی کند از این سر بهتر مینواهد و بنظور های تبلیغاتی اخیر بی ببرد

نمایشی از تحولات سیاسی جهان دو یک هفته اخیر

خاور میانه و جنگ نفت

دو لوله نفت بین خلیج فارس و مدیترانه ساخته خواهد شد و حدود ۳۰ ملیون لیره استرلینگ « حزب این کار خواهد بود « شرکت های نفتی استانه از داویل و « سوکنی و اکوم کبانی « طبق اظهارات وادیو لندن قرار داد عالمی با شرکت نفت ایران و انگلیس برای خریداری نفت خام در مدت ۲۰ سال منقذ نموده اند - این دو شرکت در ساختن لوله های عظیم هلته بین خلیج فارس و مدیترانه بایکدیگر همکاری خواهند نمود - شرکت استانه از داویل نسبتی از سهام شرکت « سوکنی و اکوم کبانی » را نیز که در هرستان سعودی مشغول استخراج نفت میباشد خواهد خریداری نماید - ستر برنارد مصاحبه مطبوعاتی به روزنامه نویسان اظهار نموده است که دولت امریکا دخالتی در نحوه عمل کبانیهای استانه از داویل و « سوکنی و اکوم کبانی » نخواهد نمود .

این تمام اطلاعاتی است که پیرامون لظیه نفت جنوب ما میشتوم سازش نا کبانی و کبانی مختلف التامع در بک موضوع حساس و بترنج حادثه اجشاهی سیاسی مهمی مصوب میگردد آئینه معلوم خواهند بود که این حادثه آتندر هاهم ساده نیست و این قرار داد عربی و طویل مدین و منظور های سیاسی دیگری است .

لیروی آتم - بمنظور استقرار و تحکیم صلح و آزادی باید

بکار رود

وزارت جنگ امریکا اعلام نموده است که طرز جدیدی برای حکمکنان اتم پیدا کرده و از اینرو از هزینه ساختن آن بقدر عظیمی کسر شده است و یک اسر امریکائی نیز اظهار داشته است که از لزی اتم زار راه انجام امور عام البته نظیر صنت اتومبیل رانی مورد استفاده قرار خواهد داد و مینظور کیته بپ اتی تابع سازمان ملل متفق پس از جلسه طولانی و دللی راجع به پیشنهاد

از کرمالشا

مقام منبع حضرت امرف آتای نصت وزیر کیه وزارت دارائی این بنده کارمند شماره ۵۳۳۵۸۰ که بوجوب حکم

۸۰ ب

وزارتی از ۲۵۴۲۲۰۴ چهار ماهه مرخصی دادند آقای رضا بیری بواسطه فقدان بصیرت اداری بنظور اجبرای اغراض شخصی از ۲۵۴۲۲۰۴ بدون هیچگونه تقصیر و مجوزی حقوق بنده را قطع و به اختیار مرکز گذاشته و با حال بیبازی و نه نظر عالیله در تربت بدون دخل یا هزینه طاقت فرسا مواجه . در تاریخ ۲۰/۸/۲۵۴۲۰۴ کار گزینی وزارت منظم و نیز از طرف پیشکاری استان تقاضای کتبی و تلگرافی نسبت به کار بنده شد به نتیجه نرسیده بیبازی هم مجال حرکت نمیده ناچار بر سر تلگراف مبادرت . این است پاداش خدمت که پس از ۳۲ سال خدمت بی آلاش مقدرات اسنال بنده با پشتی و ستعشش هوای فلس بصیری عاشود .

استراحتامان زمین تکلیف خود و تحلیف نامبرده مورد استعفا است مدین جواهری

کتاب اسرار بارزان بطور جداگانه بزودی منشر خواهد شد از خواندن آن غفلت نکنید

امریکا درباره کنترل بین المللی بیروی اتم تصمیم قطعی گرفت ولین کرومبیکو نماینده شوروی که تا کنون با این پیشنهاد « خصوصا ماده اول آن که مفاد آن اینست « بکی از هول جهان انرژی اتمی و بنظور سوء بکار بردن اتم از او ملبسومورد اعتراض قرار خواهند گرفته « موافقت ننشود و حتی راز داده وای نیز هو اینورده مسامت میگردد در جلسه گذشت نمایان خود را برای حضور در جلسه اعزام و مطلبین سیاسی میکویند این عمل بکنه ایست که نمایندگان شوروی میخوانند در مصیبات کیته مؤید بر حرکت کنند

بهر حال امروز که انرژی اتمی وزنه سنگینی در کله تر آروزی سیاسی جهان محسوب میشود و امروز که اکتیهای این خط پیش و کم معلوم شده و امروز که دنیا از جنگ بیزار است و عمل خسته و فرسوده گرد هم جمع آمده اند باید به هر گونه نگرانی خانه داه زیرا توافق ملل مسلم در راه بنیاد جهان آزاده یکی از فرامط آزادی و موبه انکار صمیم و بجااست .

اسرار بارزان (۱۱)

نقش بر هیگردد

روز ۱۷ ژوئیه فرماندار اریل اطلاع داد که میزاهد دو مکت کابینن چاکسن معاون مشاور سیاسی کرکوک ملا مصطفی بارزانی در مرگه سور ملاقات نماید .

این ملاقات در موعده مقرر انبام گرفت ولی معیط سرد آن باعث عدم موافقت شده طرفین با کهدورت ازم جدا شدند.

اوضاع رو بوخاست میرفت ، ملاقات ها ، یکی بعد از دیگری همه از آینه استنایک شکایت مینمود تاچار برای اینکه تمسبی اتناض شود روز ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۵ زحیم مصطفی بارزانی و معند معبود و جلال امین جلسه ای تشکیل داده و قرار بر این گذاشتند که در مناطق دوهک - آمدی - مفره هبجان و منجار گشتی زده مراجعت کنند و بعد به رواندر - کوی سنجان راینه - حنبجه و خاشین هم رفته ملاقات های با روسای مشایر کرد این مناطق بعمل آورده و روح همگاری و هم آهنگی آنان را تنوین نمایند .

دو روز بعد یعنی ۲۷ ماه ژوئیه مسافرت آغاز شد و طبق برنامه ای که پیش بینی نموده بودند با روسای مشایر تماس گرفتند و اقامت تا روز ۱۰ ماه اوت ۱۹۴۵ با کمال نظم انجام گرفت .

در این روز در هنگامی که مسافرن در دهمه با که چهار روز سواره تا بارزان راه بودند توقف داشته کافی میسون ذیل از فرماندار اوایل برای زحیم مصطفی بارزانی رسیده

بلا مصطفی بارزانی

لازم است خود شا و روسای بارزان در مدت ۳ روز از تاریخ دریافت این کافله تسلیم دولت شویند و غیر این صورت مسئولیت خسارت وارده بر کشته گان متوجه شما خواهد بود .

فرماندار اریل - سید فرزان

در همین روز کافله ای هم از مشاور سیاسی شهرستان موصل کتلرید برای زحیم رسیده که با نامه فون هم آهنگی کامل داشت . در این نامه سرچیا نوشته شده بود :

«اگردستورات دولت هران را اطاعت نکنید از کلیه توجهات مامحروم خواهد بود»

عصر همین روز کافله ای هم از شیخ احمد برادر بزرگتر ملا مصطفی دریافت شد که اطلاع داده بود ۳ شورش آغاز شده و بین نوای بارزانی و دولت زد و خوردی روی داده ، ادارات دولتی در بارزان از طرف بارزانیان تصرف شده ، الولیک کشته شده و پست مرگه سور هم تصرف گردیده لازم است فوراً مراجعت نمایند .

اوضاع دگرگون شده بود ، اتفاقی را که تا بحال با کمال حدیث مسامت نموده بودند رخ داده لمن تغییر یافته نامه های فرماندار اوایل و مشاور سیاسی شهرستان موصل هم شخص را بتردید می انداخت که در زد و خورد های که شیخ احمد در کافله خود بدان اشاره نموده بود شاید دست مردموزی در کار بوده و بطور غیر مترقبه از غیبت ملا مصطفی استفاده نموده سران بارزان وادریک صل انجام گرفته قرار داده اند .

هنه نیز پیش بینی میشد غیر از زد و خورد بارزان بنابر این تاوقت تنگ تر نشده می بایست بارزان مراجعت کرد و علت این پیش آمد رانجیه و با در نظر گرفتن اوضاع تمسبی اتناض نمود . ولی قبل از مراجعت لازم بود در آن نواسی روسای مشایر را آگاه نمود تا در صورت لزوم جنگ در آن مناطق هم شورش شروع شود .

این تنظیمات محلی هم چند روز وقت لازم داشت ولی با نهایت سرعت تا آنجا که وقت اجازه میداد دستورات داده شد و مشورت ها انجام گرفت سپس راه بارزان پیش گرفته شد و روز ۱۹ اوت ۱۹۴۵ مسافرن مایبارزان رسیده زود شیخ احمد حاضر شدند .

شورش دوم بارزان

۱۰ اوت ۱۹۴۵

در این روز ها که اتقان قوم زد و خورد روی داده بود خوبست اوضاع صومی را در نظر گرفته تا جریان امر بهتر واقف گردیم .

۱ - اهمیت بارزان - بارزان روز بروز بر اهمیت خود می افزود . حرکات ملی کرد شدت می یافت و این کانون نهضت مسلمی نیرومند شده بود بطوری که تزلزل عیبی در محافل ذی علاقه عراق انکننده بود .

این صفایون سوزان می رفت که کم کم شله اش جیسانگبتر شود و هر وسیله تبلیغی که برای اسماه آن بکار میرفت کارگروا مع نیانفاه بارزان فریاد دادخواهی کرد در ا درلیاس دیپلوماسی در جهان متعکس نموده بود و نهایت کوشش بکار می رفت که از آلودگی به چنگ و سبزه خودداری خود . میاست مدبرانه ای که در اداره این اقدامات سیاسی بکار رفته بود هر گوه تبلیغی و اخشی ساخته بود . تنها یک راه باقی بود و آن کشایدن بارزان جنگ بود . انجام این نقشه هم با بودن ملا مصطفی در بارزان چندان

صندوق پس انداز ملی از پدران که سلامت آتیه خود و

فرزندانشان خلافتند هستند دعوت می نماید که برای باز کردن حساب پس انداز صندوق پس انداز ملی با باجه های شهری در تهران و شبیه های نامیاندگی های بانک ملی ایران در شهرها و شهرستانها مراجعه نمایند . در سال جاری دو میلیون ریال جایزه بین حسابهای پس انداز بطور فرده تقسیم خواهد شد .

جایزه اول آن ۱۵۰۰۰۰ ریال است

سامر جوائز بزرگ آن برارزیر میباشد

۲	جایزه	۷۵۰۰۰ ریالی
۳	«	۵۰۰۰۰ «
۶	«	۲۵۰۰۰ «
۱۵	«	۱۰۰۰۰ «
۳۰	«	۵۰۰۰ «

کسانی که تا پایان سال جاری حساب پس انداز داشته باشند مشمول قرعه کشی خواهند شد .

۱-۵۰
۲-۵۹

آگهی

انقلاب حیوانات

بخوالم از برایت داستان

اگر عقلمت رسد حیران ایمانی

حیوانات شورش کردند آدم هارا از خود رانده و در حیوانات حکومت تشکیل دادند تمام این مطالب را در انقلاب حیوانات با تصویر های زیبا خواهید دید بها ۱۵ ریال دوهه کتاب فروشی ها

۵۴ - T

آسان بخاطر نیرسیه .

۲ - یک فرصت مناسب - چنانکه در پیش کتیب ملا مصطفی و دولفر از انصران از بارزان خارج شده که به اوضاع مناطق دیگر کرد نشین سر کشی نمایند . امور بارزان موعه در دست شیخ احمد بود . این غیبت بهترین فرصت برای اجرای نقشه بود

۳ - سفر ناگهانی - یک روز قبل از اتقان زد و خورد ، عزت عبدالعزیز خود را به بارزان رسانید در این وقت فقط شیخ احمد در بارزان بود بنا بر این پیشنهاد های عزت عبدالعزیز در شخص او که در این جا تنها بود زود تر موثر واقع میشد . شیخ احمد که شخص تمسبی است کتر به رموز سیاسی وارد بود و حل هر مشکلی را در چنگ میدانست بنا بر این معیط کاملاً آماده بود که اگر ساده ای روی دهد جنگ در گیرد

۴ - دستور دولت - بعضی خروج ملا مصطفی از بارزان دولت عراق از موقعیت استفاده نموده نوای نظامی به اطراف منطقه بارزان فرستاد و شنا دستور تلگرافی به کلیه ادارات دولتی در بارزان صادر نموده بود که هر بارزانی برای هر کاری به ادان دولتی مراجعه نمود او را باید دستگیر شود بنا بر این آن وسیله ای هم که میبایست جنگ را بر انگیزد به بین ترتیب با اجرای این دستور فراهم میگشت فکر مستند شیخ احمد هم برای جنگ که از طرف عزت عبدالعزیز ممکن بود تنوین شود بکتر به ملا مصطفی را می توانست در یک صل انجام شده قرار دهد .

نقشه اجرا شد

پس از وصول دستور تلگرافی دولت به ادارات دولتی بارزان احمد خوشه وی رئیس شیریوت موروی (از مشایر بارزان) به پست ذیبار مراجعه مینماید شروع به گرفتن او مینمایند ولی احمد خوشه وی با زیر دشتی خود را نجات میدهد .

همه ای از بارزانی ها به ادارات خود بارزان مراجعه مینمایند چون دستور دستگیری آنها صادر میشود این عده به مقابله پرداخته بآنتیجه ادارات بارزان را بارزانیان تصرف مینمایند .

در مرگه سور الولیک رئیس شیریوت شیروان با دو نفر بارزانی مسلح برای امور تله و شکر وغیره به پست مرگه سور مراجعه مینمایند چون مسی خواهند آنها را دستگیر نمایند مقاومت نموده در داخل پست امنیه زد و خورد دو می گیرند و بآنتیجه الولیک از یک طرف و فرمانده پست و چهار نفر امنیه هم از طرف دیگر کشته شده و پست ها از طرف بارزانیان تصرف می شود .

وقتی که کار با اینجا میرسد شیخ احمد نامه ای که دو پیش به آن اشاره شد به ملا مصطفی می نویسد که عده مرده در پات در پات میگردد .

قابل توجه رئیس محترم دولت و کمیسیون انتخابات از جمله تقاضاهای مشروع اکراد داشتن نماینده کرد زبان است

در تمام نواحی کردستان، سنندج، مهاباد، سقز، گروس، مردم از فعالیت های نامشروع افراد غیر کرد بشدت عصبانی اند

... یک بخش مهم و دامنه داری از تقاضاهای مشروع اکراد مربوط به انتخابات و فعالیت های انتخاباتی در ستوان ماشیه و سال جاری است بطوری که اگر دقیقاً نمودار مقویات اکراد را بر روی صفحه کاندیدی ترسیم کنیم مسئله انتخابات عالی ترین رکن ارجحیت را احراز مینماید.

علت انزلی و پدید آرنده این تقاضا عواملی که موجب تکرار و تاکید آن شده است تجربه های تلخ و نا گواری است که در طی ادوار سابقه عبرت انتخابات نصیب مردم کردستان شده است. طوری که در هر ناحیه از سر زمین کردستان مردم بخوبی از انعام دچار دوار و سر گیجه اعمال و اعمال برضی و کیلان ناشناس بوده و تا سال های سال قادر بآلتیام آلام زائیده از این شاهجات نخواهند گشت. بانام کوشش و تلاش که بنام اوادست شهر یورو ماما طرف قاطبه اکراد برای گسیل نماینده کان محلی و مانوس پسند آمده خلانکارها و اعمال نفسر دولت های وقت متاسفانه بر شام آنها قلم سرخ کشید و هبناطور که در دوران سابقه انتخاب نماینده از مسیر تبلیات مردم منحرف و بدور گشت در آن دوره نیز اجرا گردید

اگر این تقاضا را از راه عقل و منطق مورد استنتاج نثر قرار بدهیم یک نکته غیر قابل انکار منوجه خواهیم شد که چون هر کسی به محیط خانه و فامیل خود بیش از هر ناآشنائی وارد و بصیر است میزان احتیاج او اوضاع و احوال منزل خود را بهتر از هر کسی دیگر و اول دوست خود تشخیص می دهد.

امروز هیچکس نیست که مثل خود بنده به امور زندگی خانوادگی آگاه باشد گویانکه من و خانواده من عضو لایتنکه این اجتناع هستیم و لازمه مثبت هم بستگی ماست بانام مردم ایران مع ذلك من خیلی اموزندگی خانوادگیم را و بهتر و متمسک تر حلاجی و حل و فصل می کنم.

حالا اگر حدود نرسیده را بر رکنتر بکنیم و به تصور یک شهرستان با استان برسیم یا مثال ما نشان و استعکام خود را محفوظ می داریم.

مردم آذربایجان و خراسان و کرمان و اصفهان همه ایرانی و همه برادر و هم بستگی منوی با هم دارند و جنگلی زاده یک سر زمین و فرزند یک مام میهن هستند ولی آنطوری که یک اسمهای مقدار احتیاجات و نوااس شهر خود را میداند و بشام جهات اجناسی آن آشنا است یک کسی با تهرانی ندارد و آشنا نیست.

بلاوه این خود یک مسئله روان شناسی و جهت گذهاری است که یک

است دولت ایشان در لوجه اعمال باید دقت در انجام این تقاضای مشروع اکراد بشاید پیش در مجالس وطن پرستی و شهادت و استمداد بدیرش مرسوم محول و تغییر اپشناسی مردم کردستان را در دسترس و نیل به هدف پاک خود که انتحاب نماینده کرد زبان است باوری نمایند.

مثلا برای مادهور است وقتی که می بینیم می شنویم کسانی که در تمام مراحل عمر خود جز راحتی و آسایش نمانده و هیچ رنج و زحمتی هم متحمل نشده و گرد و گرد زیان را فراموش کرده و قدم خیری برای آنها برنداشته و اساسا خود کرده و کردستانی نیستند خیالات خام و راهی در سر برای انتخابات کردستان (هر نقطه از کردستان فرق ندارد) می پروراندند و برای لیل بقصود مسافرتها کرده و دیو باز دیده اند و در سر راه مردم دام مکر و تزویر می نهند.

اصولاً یک نوع حس نفرت و از چار در ناطبه اکراد تولید می شود وقتی به پینته در سر زمین آبار اجدادی آنها فلان عناصر بی صلاحیت غیر کرد خود را باسم کاندید معرفی و در صده انحال مردم است زیرا این خود یک توهین و تحقیر بزرگی است که بهیچوجه احساسات پاک و بی آلاش کرد حاضر به قبول آن نیست

امروز گمان نمی کنم کسی باشد از عارف و عامی که وضع انتخابات مقننح سقز را برای دوره ۱۴ داده و سیاسی و تئوریکای عناصر غیر محلی را درک نکرده باشد امروز مردم آذربایجان تحقیر خود را محسوس تحصیل کرده و کالت کاندید کرده اند آنها رواست باز هم برای اغفال همین مردم و عدم مؤنقیت یک کاندید محسوس کرده و برای فلان بی صلاحیت فعالیت کنند و بانملا برای گروس که قاطبه اهالی آرزومند یک وکیل لاین صدیق هستند دستهای کثیف و آلوده چند عنصر غریب و نابکار را بر مسردم تحویل نمایند

ما از خیلی پیش جدا بر علیه افراد غیر کرد و غیر محلی و بی صلاحیت که در کردستان فعالیت های مذبحه ها می کنند مبارزه مینماییم و تکتات باریک و تئاریکی و اهم هر خلخال ایندست با دآوری نوده ایم مفصوسا تا گید کرده ایم که دولت اگر اکراد را با اصول و موازین دموکراسی آزادی عمل داده با نمایندگان واقعی آنان تماس بگیرد و افکار آنان را محترم بشمارد بهتر و آسانتر می تواند خرابی های تمام نواحی کردستان را ترمیم کند و اصلاحات در آن متعلقه حساس و حاصلخیز را آغاز نماید. ما عوارزه بر این عقیده بوده هستیم که تمام حوزه جغرافیائی کردستان وقتی از این سکوت و خرابی و بیرون خواهد آمد که وکلای تمام شهرستانهای آنجا کرد زبان باشند.

این نکته مهم و قابل توجهی است که دولت در صورت عطف نظر بر آن پایه خلل ناپذیری برای محبوبیت و ارزش خویش در آنجا و بخت است افکار عمومی مقدس و محترم است و نتایج

این نکته مهم و قابل توجهی است که دولت در صورت عطف نظر بر آن پایه خلل ناپذیری برای محبوبیت و ارزش خویش در آنجا و بخت است افکار عمومی مقدس و محترم است و نتایج

برای اطلاع اداره کل دخانیات بازار توتون

خرید توتون دو سنتج شروع شده سال گذشته رسیدن پول باعث شد که همه ای فروشندگان که از نواحی دور آمد بودند بیای این که پولی از فروش به دست آورده به خانه های خود مراجعت نمایند با یکبار فروش و مایوسی رجعت کرده سال گذشته ارز یاب تا توانست باز خود را بست اسامال هم بازار توتون در دست معو می است بنام لانه که سال گذشته در سقز بود. این شخص که یک نفر غیر محلی و چندان با مامور تقویم آشناییست و یا خود در به آشنائی لیبره مشغول است بعضی رضای خدا مردم را به به ستوه میاورد. اگر چه رئیس اداره دخانیات کردستان با ابراز حسن نیت به مراجعات مردم رسیدگی میکند ولی بی لطفی حضرت آقای تلاته یکی ایشان را کاملاً جبران نوده است.

کوهستان - اگر اداره کل دخانیات توجهی به حال تلاته بفرماید قدری بحال مردم مفید خواهد بود.

عاقبت شرکت

شرکت کالاهای دخانیاتی سنتج با سرمایه شصت هزار تومان پس از دو سال کار بجای اینکه سودی بدهد بآدان ۱۰ تا ۲۰ درصد ضرر منحل شد. بعضی ها میگویند تقصیر با دخانیات کل بوده که مساعدت ننموده ولی ما مستفیدیم که تقصیر با هیئت مدیره بوده که نتوانسته اداره کنند.

بهر حال این شرکت هم منحل شد مگر شرکت برق مردم را امیدوار نماید!

توجه فرمائید

مشترکین و نمایندگان روزنامه کوهستان اگر تا اول اسفند ماه بدعی های خود را ارسال نفرموده باشند میتواند نام خود را در ستون «مشترکین یا نمایندگان بد حساب» در اولین شماره اسفند ماه آئنده ملاحظه فرمایند - ۱ -

انتکار عمومی با گفتار و کردار آنان پیش از هر چیز منضم و معین خواهد گشت بهیچ نوعی لعاظ دولت پیش از هر محلی باید به اکراد روی خوش نشان داد و آنگاه راهبری و امشامات نماید.

ما با تکرار این مطلب کنه « اکراد از نمایندگان غیر کرد خاطر ات خوشی ندارند» نظردولت را جلب به پشتیبانی از اکراد آنان می نمایم و از هم اکنون اعلام میداریم اگر در هر یک از نواحی کردستان سنندج - سقز - مهاباد - گروس - نماینده غیر کرد و غیر محلی سر از صندوق انتخابات بیرون آورد مردم آنجا انتخابات مشروع دانسته و از پیشگاه جناب اشرفی آقای نخست وزیر تقاضای تجدید بعمل انتخابات را مینمایند.

پلمب آقای محمد مروخ آیت‌الله کردستانی

کرد و کوهستان شماره اولان

(۷۵)

عرض و طول داشت نشسته با مدعوین هام میخورد شیخ مصدق میبندیدندانی را که در کردستان سکونت داشت از نقطه نظر دیپلماتی بسی اندازه احترام میگرفت و او را در مجالس رسمی بالا دست هماغا کردستان می نشاندند در صورتی که من این تفویض و ترجیح را لغایت و بالاخره همین محبت و ترجیح او را ۹ کشتن داد چنانکه ذکر خواهد شد .

در ربیع الاول ۱۳۱۳ - بحسب تقاضای امر السلطنه باجلال وطهمطراق مدلسی بزم دیدار بین ولایت مهاباد و آذربایجان شده پس از چند روز مراجعت کرده و برای جسی از همدان و ایجان شهر رقم اظهار محطوفت و خلعت و لقب آورده

از جمله برای این جانب هم رقم عزیزین شمیم اظهار محبت باضداد بلکه طایفه شیخ کشمیری را بلخندت آوردند و بکامه میانس شربت خوری در منازل علما و اعیان با کفایت مسرت دوران داشت

روز جمعه ۱۷ ذی قعدة (۱۳۱۳) میرزا رضانام گرمائی در صحن شاه عبدالعظیم قلب ناصرالدین شاه راهدف گنوله هفت تیر قرار داده بسا یک تیر حیات او را خاشاکه میدهمه میرزا علی امیر خان انابله اعظم فورا او را با کالسکه بدر بار میرساند شروع بانظامان و امنیت مینمایند روز شنبه ۱۸ ذی قعدة مظفرالدین روزی را بجهه که در تیر بود بر سر سلطنت جلوس نموده بدستین سلطنت فاجار (۱۱۴) تیر تویب شلیک میگردد و در روز یکشنبه ۲۵ ذی القعدة وارد دارالملاهی تهران شده انابک اعظم مراسم تاجگذاری او را فراهم آورده بنیاه ایالات و ولایات جلوس تاجگذاری ولیعهد را خبر داد و در کلیه ایالات و ولایات آیین جشن و بهراغان و آذین بندی چهل آمد حسام الله امیر هم پنج شبانه روز امر به بهراغان در آیین بندی هر داده و حوم علما و اعیان و کسبه و تجار کردستان را هم برای بهار بهار الحکومه دعوت نمود پنج شبانه روز تمام شهر بازار و دکانین را آذین بستند و در همه جا بهراغان و آیین بندی عالم و برپا بود از شیرتشارت نقل فاسرالدین شاه و سوسر حداث دمی علم کرده کم کم شروع به تاخت و تازوش و ضیاع گردید.

شیخ رضای شاعر گسرد معروف و بامی ذیل را در نضیه نقل اسرائالین شاه گفته که مینا ذکر نمود .

اهلی هجرت بیخه با سیری ناصر شایکین دوله موسی کم شعی کردن تشکیکی ری نهایت هائی و اسیری نهائی کن که مدتی بهوسیا پاسایی بوله نبوسد ایاده کردی مان ترجمه : ای اهل هجرت بیاید پیش آمد ناصرالدین شاه و انابله شایکین دودسال (۵۸ سال) پادشاهی کرد

قابل توجه جناب اشرف آقای نخست وزیر

بطوری که تاکنون متذکر شده ایم واخیر اسرآن اگر اصلاحات بیوت و سانیته توده کرد بواسطه بهره که از ابرانی الاصلی در عروق آنان بودیم گذارده شده هیچگاه از راه راست که از اسرآن بر شتر است منحرف نشده و ذاتا آشوب طلب و ماجراجو نبوده و نپسند چنانچه پاره اوقات اظهاراتی بنایتند جز شکایت از عمل خلانکارانه مأمورین نا مصلح چیز دیگری نباید تلقی نمود بدینسان چون شکایت آنان برای رسیدگی بهمان عده

دارالاحسان رفته از آنجا بحسام اللهک بنام دادند که از حسن چهل دلجویی نموده توهین او را جبران نماید بحسام اللهک زیر این تکلیف نرفته طلب ساده به هیت اجتناب با خنجر و طیانچه و چنان حمله بلغمه حکومتی بردند .

معدود علی شکه - ورشکه و کرده برادرانش با محمد صادق که گسرم و حمله فرامشاه فورا دروازه قلعه را بست از ضلایب جلوگیری کردند . ضلایب هر چه سعی نمودند که دروازه را باز کنند نتوانستند چمنی باصطبل حکومتی که در سرباز خانه بود هجوم برده آنجا اسب و اسبان و زین و برک در آنجا بود همه را بظارت بردند . فرانسها همینکه ملتفت شدند که عده ضعیف کم شده دروازه را باز کرده آهائی که پشت دروازه بودند بیان قلعه برش بردند همان معدود علی ورشکه یا فرانسها سر حیا دروازه را بسته و تمه و قداره را کتیبه طلب و در میان دالان دروازه بیان گرفته و چند نفر را زخمی کردند و بقیه فرار کرده کشتن از قلعه خود و پایتین انداختند و پیش از راه فردوس خود را نجات دادند .

از جمله زخمی ها ملا علی طلیه تالقی بود که سرش دروازه زخم خورده خود و پس از زخمی شدن ضلایب در باره صوبه ضعیف منزل ملا عبدالرزاق امین الاسلام جمع شده باخاره مشارالیه بعنوان تقاضای مجروحین ضلایب حمله به خانه شیخ محمد تقی همدانی مجتهد امامی که ذکری از او گذشت برده او را از منزل بیرون کشیده و در جفاه مشرفه بیان می برده . مشیر دیوان فورا امر بستن دروازه داده راه نبیده از آنجا او را در بخانه ملاصف الله فیخ الاسلام آورده در جلو خانه ساهد السنتان پسر آصف سید عبدالرحمن و سید عبدالرحیم رواندزی با خنجر شکم او را پاره می کنند پس از کشتن مشارالیه طلیه و تمه شروع به تیر و غارت خانه های اهل تشیع نموده چندین خانه را می چایند و آشوب و اغلابی با نهایت شدت در داخله شهر بولنگ در گیر شد و امنیت و آسایش یکسلی منسوخ گردید . شهاب از صدای گنوله و هلیک شواب چشم احدی آشنا نی شد .

روز شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۱۴ حوم اعلی به تلگراف خانه ریخت بحسام اللهک منزل و روز سهفته عظم ربیع الثانی حسن علی خان امیر نظام گروسی نوبت دوم حکومت کردستان نامزد گردید .

حسلی آزموه اردلان

چاپخانه
مظاهری

از یگی از شعرای معاصر

حضرت آقای مدیر محترم روز نامه هفتگی کوهستان چون در شماره های آن نامه صحبت از گانه پدا های ستر شده بود و بنده از جریان انتقادات کاملاً در آنجا آگاهم و میدانم گانه پد چه شخصی و چه وجهه و شبهه ای مشغول است که بر ملت تحویل شود برای اطلاع جنابالی این تعبیه کردی و فرستادم که دوج فرمایید. در آئینه نیز شرح کیفیت تحویل و انتساب بدین ایشان بنظم و شعر تقدیم میشود که جهانیان و آزادی خواهان از جریان آزادی آن حوزه آگاه شود.

با تقدیم احترامات - ج. م.

ام قصیده بومدیری محترمی روزنامه کوهستان

تقدیم گرام - امر به درجی بفرمون

سبا یزید به دکتر اردلانی
 باوها و کاری غاس و بارگیانی
 اگر نازانی واغامه یزانی
 که منت کله به ، مأمور شوانی
 مطیع معنه بوخوان، گاوردگوتال
 له شپور، بولی پدا، بی پاته سرپال
 به نصیبی شوان گله به ناچار
 ای حاشری، بی فریاد و هارار
 اراده شوان و کوحکی خدایه
 اطامه فریاد بی چون و چرا به
 دوریسه بسختی آزادی مقابسه
 تقاضم به فسه خشو و زوایسه
 و کسپل دستوریسه ناوی نازی
 اگر تووای نازی، زور جوی
 له سردر که عوای کرسی و ککات
 تلاش بوکردی سپوه و جهالت
 گر که کرسی غوت بناسی
 بنا و عباسی به فقل سیاسی
 هابون بخت بی آراه و کیله
 اگر چی زور... بریک طویله
 ملای کورکه، که فرموسی زمانه
 له وصلی زهر کی " ایلی امامه
 در انشان به طبع و نظم غامی
 اگر بی بینی نخلسی او اناسی
 کسبکه وارنسی این هینق
 له کرسی پارلان چی گرت بنامق
 له غویشانی برابم آغای حار
 که له سرسوموه زورماوه آتار
 کتیبی له و فسه و غفل و حکایت
 به چی ماوه، نه یته دم و غیبت
 اگر چی غیبت مرد و حلاله
 مراد غیبت لبه له، وصلی حاله
 له موردروزی چاوی که ووت بلق نق
 شریک بومرغ بیچاره، بحق حق
 ونی چوشه وشی رانک سی چون
 چوته بو زراعت بی فسه شون
 میان بی ووت له مورا گوا کسبکه
 اوه دمی بینی حاجی لک لکی که
 وه نسان به ، مرغی هزاره
 له صغرا خواردی هر گرم و ماره
 ونی حاجی به او نصیبه پایه
 له ملکی من دمی بارکنده پایه
 اگر او حاجیه طفلی و چناره
 سواک و آوی زدم بی زماره
 دمی بی ییتو، اوچل بی ته ملکم
 دنا اینتاله حاجی تنگه خلقم
 له بان توانی بلامینن به آغا
 اوه انسان به ، طیره له باغسا
 به ناروا حاجیه ، بوجنه چوگ
 له سر اووک بشر واجب به بوگ
 هتسا مره ، تسای این هینق
 چناره ی انتظار بو او له لوق

له شرح نقل او عالی مقام
 هزار نقل و ما مقهور عامه
 امیش له و نطه به عقیلی وابه
 به لایو پارلان اصطلب هابه
 لوی جو ، یولجه و کماقت و زوره
 جل و نعت بین گشت جمع و جوهره
 به مدعی اگر غوی هان مجلس
 گواه ساده بو مرض مجلس
 از آزادی بی عقیده و رای وانکار
 وجودی واپسین نایه روی کار
 حلاکه بندی و شتر چلو
 امیش کاربکه هینی او سونه
 دلی هابال آزادی له ایران
 له هیچ دوره و زمان نای نمایان
 یلین عقاب آزادی که ناری
 ای سینو سو که و توبته داوی
 وجودی هیبه ، دایم لپانه
 ظهوری اول گل آخر زمانه
 له کوهستان بکه چاپام عقیده
 له وضعی انتقاباتا عقیده

کوهستان - چون در ابتدای این ایشار اشاره شده بود که مدیر روزنامه کوهستان گانه پدای نمایندگی است لازم میدانیم این تست را تصریح نمایم که عده ای از اهالی ایشان را کسانید نموده اند ولی از طرف خود ایشان له باشعاف در منزل مراجعه نموده و له در مرکز فعالیت هالی کرده اند .

نایبند باید نایبند مردم باشد و مردم خود باید جهت کنند که نایبند هابسته انتقاب کنند اگر کسی خواست با تشیت و تلق، و این و آن را دینن و روهده هادادن، و بول شرح کردن و کیل خود نظما نظر هالی دارد غیر از خدمت مردم .
 والا کسی اگر واقعا بخواهد خدمت مردم بشاید احتیاجی ندارد که باین و آن تلق بگوید که او را برای خدمتگذاری برگزینند.
 عقیده مدیر روزنامه کوهستان این است که مردم باید به آزادی و بییل خود و کیل انتقاب نمایند و چون با هرگونه تحویل نایبند مخالف است خود نیز حاضر نیست تک تحویل را قبول نماید . اگر شخص قدری جوت نفس را کنار بگذارد راه و کیل شدن و وصول به آن چندان دشوار نیست .

به مشترکین و نمایندگان

نامه کوهستان

چون بیش از دو ماه و نیم دیگر از سال مالی روزنامه کوهستان باقی نیست لازم دانستیم بعنوان یادآوری به مشترکین و نایبندگان خود در نقاط مختلفه اطلاع دهیم که مطالبات ما را هر چه زودتر ارسال فرمایند .

سال گذشته ، در پایان سال اول روزنامه یلان خود را با اطلاع خوانندگان رسانیدیم و از جهت کسانی که در قسمت مالی از لحاظ وصول وجوه اشتراک و معرفی مشترک و غیره ما را کمک کرده بودند سپاسگذاری نمودیم .

امسال تعداد مشترکین ما از سال گذشته زیاده تر شده و میزان مصرف روزنامه اشافه گردیده ولی وجوه اشتراک ما جو مبلغ مختصری هنوز ارسال نشده است .

مشترکین و نایبندگان ما بفرمایید که روزنامه کوهستان از درآمده فروش روزنامه و آگهی باید اداره شود بدین است اگر این وجوه بمتوقع فرسد ناچار روزنامه پس از اینکه بپایه مالی خود را مصرف نمود دچار وقفه و تعطیل خواهد شد .

فرستد کتبا یا تلگرافا تقاضای ارسال آرا نمایند . این علاقه خوانندگان است که ما را تشویق مینماید که بدون توجه به ضرر های مالی در ادامه انتشار آن کوشش نمایم ولی البته تصدیق خواهند داشت که این امرا از علاقه ای برای تقویت روحی بسیار ضروری و قابل ستایش است ولی آسرا نمیتوان برای تامین هزینه های روزمره روزنامه بکار برد .

عده ای از مشترکین ما هنوز وجه اشتراک سال گذشته را ارسال نفرموده اند و عده فوق الساده زیاری هم هنوز توجه به ارسال وجه اشتراک امسال نداشته اند .

چون وضع مالی روزنامه چندان رضایت بخش نیست در صورتیکه مشترکین و علاقه مندان به روزنامه کوهستان مایل باشند انتشار آن ادامه داشته باشد می توانند با ارسال مطالبات ، و با معرفی مشترکین جدید بپایه مالی روزنامه را تقویت نمایند . بدین است در صورتی که از ارسال مطالبات خودداری خود در اوایل اسفند ناچار خواهیم شد نام مشترکین به حساب خود وادار روزنامه چاپ نمایم تا با آگاه شدن از وضعیت مالی روزنامه خوانندگان کوهستان اطلاع حاصل فرمایند که اگر روزنامه مجبور به تعطیل شده تصمیمی متوجه کارکنان آن بوده بلکه بنگاه عامل عدم وصول مطالبات برده است .

کوهستان

همه فرار میکنند

بقیه از صفحه اول

که با همه چیز آنجا سوخته و میسازند محیط را آلوده نکرده اند آنلودگی محیط از آن کسانی است که برای استفاده و تامين نظرهاى خود صلاح جامعه را در نظر نليگیرند .
بعضى ها فکر میکنند که کوچکى فکر مانع رشد کردستان است بعضى ديگر ميگویند فرست ومان اندیشی است که ایجاب میشود کردستان خراب و مردم بیچاره بماند

من میدانم کدامیک از این دو عقیده درست است و باید کدامیک را قبول کرد ولی فکر هرچه باشد نتیجه این است که می بینم : مردم بیچاره اند و کردستان رو به تنزل است من اکنون از کار و فعالیت بخت گیرم انتادام ولی شور جوانی را در سر دارم و از جبهه اینکه هنوز خیلی فکر خود را فرسوده نمی بینم خود را فکر ایا جوانان هم آنقدر میدانم بنابراین روی سخن خود را به آنها نکرده و از نیروی جوانی آنها برای سعادت کردستان استفاده می جویم ولی میدانم چه جور است که جوانهای ما هم نمیتوانند جمع بشوند و با هم در راه يك هدف مقدس بشوروی نمانند زیرا خسته ام چندین دفعه دورهم جمع شده اند ولی خصوصیات آنها متفرق ساخته ولی عقیده من باز نباید ناامید بود زیرا اگر جوانها هم ناامید باشند و ایران هم فرسوده کسی دیگر نمیتواند که کار کند از این رو اگر امیدی به ترمی باشد باید آنرا در توده جوان جستجو کرد .

فحال میکنم اگر جوانها بتوانند از نظر های شخصی و بعضی تناقضات کوچک که آنها را از هم دور میکنند برهیز نمایند و روی يك اساس کلی و اجناسی مربوط به کردستان یا هم منفکتری و همفکری کنند می شود کارهای خوبی در کردستان نمود .
ولی میدانم این آرزوی من تا هنگامی که حیات دارم جامه عمل نیوشد و با طبیعت سرنوشت کردستان راه سل های آینه ببارد .

ما را چاپید . اما من ، من خدمت می کردم و از کسی پولی نیگیرتم و اشکال برای کسی نمی تراشیدم . چون اهل محل بودم و مزاحمت فراهم نیگرم به اندازه که من کوچک میگردم مردم هم مرا کوچک کرده بودند تا بالاخره چون آینه خود را در خطر دیدم و از این خدمت جز عقب ماندن از کار اداری چیزی برایم باقی نمی ماند ناچار دست و پا کرده و از کردستان بجای دیگر خود را منتقل نمودم .
من چون این مرد خدا بیمار را خوب میشاختم می دانستم که اگر می گوید درستکار بوده جانان آبانی کشته راست می گفت ولی محیط طوری فاسد است که این قسم اشخاص را نمی پذیرد .

کردستان مأمور غیر معنی را می پرستد ولی برای مأمور معنی تره هم غوره نمی کند شاید مردم می دانند که مأمور معنی با آنها خیانت نخواهد کرد و برونده نخواهد ساخت زیرا حبیب و حیالی دارد ولی مأمور غیر معنی میرد و میدزد و از کسی هم واهمه ندارد .
وانما من از مأمورین معنی خواهم که تا چنان در کردستان بوده اند کثر شنیدم که مقننترین تحریف کنند شاید خیالی می کنند تحریف کردن از یک مأمور کردستانی باعث کوچک شدن خودشان باشد ولی غافلند اگر کرد و کردستانی خوشنام باشد برای آنها می که ساکن کردستان هستند انتخار است .

من مأمورین جوان و تحصیل کرده ای را میشناسم که بایکدی نمیتوانند آرزو برای اینکه خدمت مفیدی بکنند به کردستان رفته باهر ناملاهی ساخته و حاقیت مجبور شدند بایکدی یاس و ناامیدی کردستان را غرق کنند .
این فکر نه تنها فر آنها که مأمور دولت هستند با قوت کاملی رسوخ کرده و خدمت در کردستان را برای خود غیر ممکن می دانند بلکه اشخاص حساس هم که می توانند کار آزاد داشته باشند و احش و آسایش فکری خود را در این می بینند که کردستان را بگذارند و فرار کنند .

بد بعضی فریبی است ، همه فرار می کنند و حسان خود را در جاهای دیگر می کشند و کسی مایل نیست بکردستان برود زیرا محیط آنها را از خود میراند این محیط مسموم چگونه ایجاد شده و این سم مملکت سیرتفرانی را چه کسی در این محیط ریخته اند تا حدی واضحست و از این جهت من با اشاره از آن می گذرم .
مردم کردستان یعنی آن بیچاره گانی

آبونان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تکرو شی داخله ۴ ریال
خارجه ۲۵۰ ریال
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تقص ۶۶۵۷

جهان نو

بقیه از صفحه ۱

ملل خسته و فرسوده در شهر آزادی « نیویورک » گرد هم جمع آمده اند و امروز ملل ضعیف جهان که تقریباً ۱۰۰ میلیون نفرند با هم حساب دقیق تشکیل داده اند که معلی که بدون عدالت اجتماعی با همه محکوم بماند است .

هنوز مدت زیادی از جنگ بیعالمی اخیر نگذشته است - جریان جنگ ثابت کرد که شکست محور همانطور که در زمان جنگ منوط به همکاری صیباغه و کمکهای گراهبای کشور امریکا بود . در روزگار صلح نیز حفظ آزادی و حفظ تعادل اقتصادی ، اجناسی سیاسی جهان با هست کشورهای آزاد امریکا است .

کشور امریکا بطوریکه زمامداران آن مکرر خاطر نشان ساخته اند حامی ملل ضعیف و کوچک است ، روح « هومانیسم » و انسان دوستی که در ملت امریکا دمیده شده است سره چندین صد سال می باشد و برخلاف آنچه که تصور میروند آزادی میوه ایست که بیدان مردم آزاده امریکا بوده و بیلبون ها افراد امریکایی بنشینان آن هستند تاریخ دو بیست ساله اخیر نشان داده که کشوری مانند امریکا مدافع ملل ضعیف و حامی ملل کوچک میباشد ، لومروری و ضعیف آزادی خوی فطری امریکایی است و پسند و روزگارت ظاهر یک فرد هومانیسم بودند .

امریکا برای حفظ حق ملل ضعیف و حمایت میالک کوچک فدا کار بنا کرده است .

در دنیایی که عناصر سیاسی آن برای حفظ شتون کشورهای خود تنها وسیله حاکماتی آنان اصل قوم و نژاد است امریکا صرفاً بنشینان نه نشینانی ملی و آزاد بخواهی است پرزیدنت ترومن که بگردد برجست و آزادیخواه عقلمی است و برجم آزادی را ردوش دارد صریحاً بدنی اعلام میدارد که « ما مطلقاً تئیرات ارضی هیچیک از قسمت های دنیا را که با ما دوست میباشدند تسویب نخواهیم کرد »

امریکا با نیروی آزادی بخش خود آلمان خود سر را به زانو در آورده و پنیان مستگیری او از گون ساخت و بر آن اتلا ن پدید آورده دنیای صلح و آزادی

را بنا نهاد . « دستور ملل متحد » را همچون خورشیدی تابان در آسمان سیاست جهان جلوه گر نمود و با اعطاء نرنه های هنکفت و گذشتنهای بیبا نظام آزادی و عدل را بوجود آورد ، امروزه کشور های متحده امریکایی شمالی نه تنها مورد نیاز کشورهای کوچک و غیر مشتی خاور زمین آسیا ، افریقا میباشد بلکه از این حیث مورد احتیاج کشور های مانترده اروپا نیز میباشد استفاده اینکه کشور ما در سالهای ۱۹۴۲ - ۴۳ - ۴۴ با استفاده از قانون وام و اجاره از کشور امریکا نمود پادو نظر گرفتن اشکالات حمل و نقل نبود از کمک گراهبای بود که امریکا به دنیا و بیشتر نمود اگر امروز گشایش در اوضاع مشاهده می شود آن را باید نتیجه مستقیم کمکهای اقتصادی و سیاسی امریکا دانست - اینکه که در اثر بهبود وضع سیاسی وضع جهان دولت امریکا قرض طولانی شده و ارزانی برای مانخصیص داده است دولت ایران باید از این وضع مساعه به بهترین وجهی استفاده کند ، برای آن که وضع اقتصادی ما رو فسی گیرد - ایران خود و خودش فروخته خود باید قضایای اجتماعی را یا تمیق مورد مطالعه قرار داد و منقل و منطق را بر خرام بودن در امور اجتماعی استوار نمود

اگر مسائل پیچیده و بزنج سیاسی را در نظر بگیریم و مواقت و هم آهنگی بنظر بیرون معلوم را در نظر مجسم بناییم بطور کلی این نتیجه را خواهیم گرفت که امید جهان آزاد و ملل ضعیف از لحاظ حفظ استقلال خود به کشورهای امریکا است تعلق های سیاسی که زمامداران دول متفق در هفته پیش به مناسبت عید « کریس » ابراد کردند مبین این نظر بود جهان آزاد باید بهر چه غیر از آزادی و دموکراسی باشد پشت پا زده و دیوانه وار بفتح صلح مجاهده نماید دنیا نمی تواند متحمل جنگ نوین و مصیبت تازه دیگری گردد و تا شا لوده يك سازمان صحیح بنام « سازمان ملل متفق باشد » وقوع چنه غیر ممکن است رئیس جمهور امریکا نیز در تعلقی که بنسابت عید تولد برادراد و ایراد نمود این حقیقت برجسته را تصریح کرد

وما با قدمهای برجسته بطرف صلح و آرامش عادلانه پیش میرویم و بقیه داریم که انساب صلح و حلقتی در سال آینده در سراسر جهان تابناک خواهد کردید « ترومن »
بهر حال جهان نو در آستانه سال نویخته میزند و کلیه پیشروان سیاسی بر آنند که سال ۱۹۴۶ از هر حیث امید بخش خواهد بود و این امید را تحولات سیاسی جهان و نظریات استوار ملت امریکا نااید میکنند

آگاداری

باورهای گراوه کالی ایبه له هران داناکو ایستا پزاری روزنامه یان یومان له ناردوه بدل اشراکی هدی کیش له مشترکینی ایبه له که بشنوه روزنامه وختی ده توانی به انتشاری خوبی ادامه بداد که باورهای یومان وایه که خواننده وار گوشه و بنسکان باعث تطیلی روزنامه کوهستان بین و به زودی مطالبات تیگان که هدی یومان بشنوه